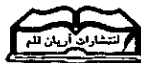


دلیل عقل

(از دیدگاه علمای اصول فقه)

علی فردی شکراب

www.ketab.ir



انتشارات آریان قلم

دلیل عقل

از دیدگاه علمای اصول فقه

ناشر : آریان قلم

مولف : علی فردی شکراب

ناظر کیفی : موسسه ساما

ناظر فنی : محمد سعید زینلیان

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : پاییز ۱۳۹۲

تیراژ : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۷۱۴-۸۲

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر برای نشر آریان قلم محفوظ می باشد

سرشناسه : فردی شکراب، علی، ۱۳۴۸

عنوان و نام پدیدآور : دلیل عقل (از دیدگاه علمای اصول فقه) علی فردی شکراب

مشخصات نشر : تهران : آریان قلم، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری : ۱۶۶ ص

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۶۷۱۴-۸۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه : ص ۱۵۴

موضوع : عقل (اصول فقه)

موضوع : اصول فقه - مطالعات تطبیقی

موضوع : اصول فقه اهل سنت

موضوع : اصول فقه شیعه

رده بندی کنگره : BP/۱۶۶/۲ ف/۴ د ۱۳۹۲۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۹۰۵۶۱

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای زاندارمری، پلاک ۶۳ واحد ۲

تلفن : ۰۹۱۲۱۲۰۱۸۶۹-۶۶۶۲۶۶۸۱

صفحه	عنوان
۸	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۲	ادله احکام در مذاهب فقه اسلامی.....
۱۳	ادله احکام در مذهب مالکی:.....
۱۴	ادله احکام در مذهب شافعی:.....
۱۴	ادله احکام در مذهب حنبلی:.....
	بخش اول: تعریفات
۱۷	تعریفات:.....
۱۷	الف: عقل در لغت:.....
۱۷	«عقل در اخلاق».....
۱۸	«عقل در اصطلاح فلاسفه».....
۱۹	۱- «عقل هیولانی»:.....
۱۹	۲- «عقل بالملکه»:.....
۱۹	۳- «عقل بالفعل»:.....
۱۹	۴- «عقل مستفاد»:.....
۲۰	«عقل» در کتاب برهان:.....
۲۱	«عقل» در فرهنگ قرآن.....
۲۲	«عقل در سنت».....
۲۴	تقسیمات و معانی مختلف عقل:.....
۲۵	تعریف دلیل.....
۲۶	«دلیل» در اصطلاح حکما:.....
۲۶	«دلیل» در اصطلاح اصولیین.....
۲۷	«تقسیمات دلیل».....
۲۷	دلیل عقلی:.....
۲۸	«دلیل عقل نزد اهل سنت».....
	بخش دوم: تاریخچه دلیل عقل
۳۱	تاریخچه دلیل عقل:.....

۴۳	دلیل عقل در استنباط فقه اهل سنت:.....
بخش سوم: حسن و قبح عقلی		
۴۶	«حسن و قبح افعال».....
۴۶	طرح اساس مسأله.....
۴۸	حسن و قبح افعال.....
۴۸	اقسام فعل:.....
۵۰	حکم افعال خوب و بد.....
۵۰	فعل از لحاظ تعلق به فاعل.....
۵۳	«جهات حسن و قبح افعال».....
۵۳	جهت اول:.....
۵۳	جهت دوم:.....
۵۴	جهت سوم:.....
۵۴	حسن و قبح ذاتی.....
۵۷	حسن و قبح عقلی افعال.....
۵۸	اسباب حکم عقل عملی به حسن و قبح.....
۶۰	اثبات حسن و قبح عقلی.....
بخش چهارم: حجیت دلیل عقل		
۶۵	«ملازمات عقلی».....
۶۵	اقسام ملازمات عقلی.....
۶۵	«علل دلیل مستقل عقل».....
۶۷	مستقلات عقلی.....
۶۸	اول: صغری:.....
۶۸	دوم کبری:.....
۷۱	حجیت دلیل عقلی از دیدگاه شهید صدر.....
۷۲	دلیل عقلی ظنی، حجّت نیست.....
۷۲	دسته بندی قضایای عقلی و اثبات آن از دیدگاه شهید صدر.....

بخش پنجم: اثبات ملازمه میان حکم عقل و شرع

۷۵	اثبات ملازمه حکم عقل و حکم شرع.....
۷۵	فلسفه تشریح.....
۷۹	از این حدیث به حقایقی می توان پی برد:.....
۸۱	معنای ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع.....
۸۱	اول اینکه:.....
۸۲	دوم اینکه بگوییم:.....
۸۲	سوم اینکه بگوییم:.....
۸۳	اتحاد حکم عقل و حکم شرع.....
۸۴	«دیدگاه محقق اصفهانی درباره قاعده ملازمه».....
۸۴	نقد و بررسی گفتار محقق اصفهانی در بیان شهید صدر.....
۸۶	دیدگاه علامه طباطبایی در مورد قاعده ملازمه.....
۸۷	نقد و بررسی دلایل «صاحب فصول».....
۸۹	جواب ایراد دوم:.....
۹۰	ایراد سوم:.....
۹۰	پاسخ به ایراد سوم:.....
۹۰	ایراد چهارم:.....
۹۱	ایراد پنجم:.....
۹۵	محدث استرآبادی در ادامه مقاله خود اشکال و پاسخی را بدین شرح آورده است:.....
۹۶	جمع بندی کلام محدث استرآبادی و جزائری.....
۱۰۰	توضیح کلام شیخ:.....
۱۰۰	پاسخ از ایراد اول شیخ بر مقاله محدث بحرانی:.....
۱۰۱	اشکالی دیگر بر مقاله محدث بحرانی.....
۱۰۲	توجیه کلام اخباریها.....
۱۰۳	پاسخ شیخ از توجیه کلام اخباریها.....

بخش ششم: غیر مستقلات عقلیه

۱۰۶	بیشتر آوردیم که احکام عقلیه دو قسم است:.....
۱۰۶	مسأله اجزاء.....

صفحه	عنوان
۱۰۷	عنوان بحث
۱۰۸	سه احتمال در این مورد وجود دارد:
۱۰۹	اجزاء مسأله عقلی است یا لفظی؟
۱۱۰	مطلب اول:
۱۱۰	مطلب دوّم:
۱۱۲	مطلب سوّم:
۱۱۳	اوّل: در احکام:
۱۱۸	دلیل قایلین به اجراء در تبدّل رأی:
۱۱۸	جواب:
۱۱۸	جواب:
۱۱۸	جواب:
۱۱۹	خاتمه
۱۱۹	مبحث مقدمه واجب
۱۱۹	نکته اوّل:
۱۲۲	مراد از «وجوب» در مقدمه واجب
۱۲۲	نکته دوّم: تقسیمات مقدمه
۱۲۳	۲- مقدمه به اعتبار لحاظش با ذو المقدمه:
۱۲۳	- مقدمه خارجی:
۱۲۴	سبب:
۱۲۴	شرط:
۱۲۵	عدم مانع:
۱۲۵	معدّ:
۱۲۶	مقدمه به اعتبار حکم حاکم بر مقدمیش:
۱۲۶	مقدمه شرعی:
۱۲۷	مقدمه از نظر زمان وجودش نسبت به ذوالمقدمه:
۱۲۸	نکته سوّم:
۱۲۹	- واجب مطلق
۱۳۰	- واجب منجز
۱۳۱	در تعریف واجب نفسی آورده‌اند:

صفحه	عنوان
۱۳۳	واجب اصلی:.....
۱۳۵	مرحوم بروجردی فرماید:.....
۱۳۵	دلیل اول:.....
۱۳۶	دلیل دوم:.....
۱۳۶	دلیل سوم:.....
۱۳۶	جواب دلیل اول:.....
۱۳۷	جواب دلیل دوم:.....
۱۳۷	جواب دلیل سوم:.....
۱۳۸	دلیل مفصلین بین شرط شرعی و غیر آن:.....
۱۳۸	جواب:.....
۱۳۹	جواب:.....
۱۴۰	«ثمره بحث مقدمه واجب».....
۱۴۲	اجتماع امر و نهی.....
۱۴۴	در دلالت نهی بر فساد منهی عنه.....
۱۴۶	پس از ذکر این مقدمات اینک به بیان اقوال و دلایل آنها می پردازیم:.....
۱۴۸	دلالت امر بر نهی از اضرار.....
۱۵۲	و اما در ضد خاص:.....
	نتیجه
۱۵۷	فهرست منابع و مأخذ.....
۱۶۳	«فهرست مقالات».....

شکر و ثنا خالق را می‌نمائیم که به ما لباس هستی بخشید و قوه اندیشیدن عطاء فرمود و به بهترین نعمت‌ها یعنی شرع و دین مفتخرمان نمود، دینی که پایه‌های فروزش بر اساس اصول قویمه استوار بوده و اصولش متحد از مبانی و مأخذ محکمه می‌باشد.

و بهترین تهیت‌ها و با ارزش‌ترین درودها بر سر خیل رسل و هادی سبیل یعنی وجود اقدس نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و خلیفه بلافصل آن جناب وجود موفور السرور علوی سلام الله علیه و بر یکایک اختران برج ولایت و امامت یعنی ائمه احدی عشر سیما امام منتظر و حجّت ثانی عشر مولانا و صاحبنا عجل الله تعالی فرجه الشریف و بر یگانه درّ یتیمه و تنها یادگار نبی اکرم صلی الله علیه و آله ام الانمه النجباء و النقباء الصدیقه الطاهره سلام الله علیها.

مجموعه «بررسی آراء اصولیین درباره دلیل العقل» با عنایت خدا و در پی تشویق‌های دوست ارجمندم یاسر میکائیلی ریاست محترم مرکز آموزش علمی - کاربردی مغان (گرمی) از حافظه و گنجینه سالخوردگان علم و فرهنگ جمع آوری شده است.

به پاس تلاش برادرم اسد فردی که در نگارش و ویرایش مطالب مجموعه از راهنمایی‌های خویش ما را بی‌نصیب نفرمودند. صمیمانه تشکر کرده، دوام سلامت و سعادت و حسن عاقبت وی را از درگاه ربّ الکرام خواستارم.

در پایان یادآوری نکات زیر ضروری است:

الف: این سطور بیشتر جنبه توصیفی دارند تا تحلیلی و انتظار مطالبی محققانه از بی‌بضاعتی چون من در قبال فقها و اصولیین محترم پسندیده نیست.

ب: در گردآوری مطالب استفاده از منابع دست اول را در اولویت قرار داده‌ایم.

ج: حداکثر سعی کرده‌ایم که مطالب ساده و بی‌پیرایه ارائه گردد.

مقدمه

شریعت اسلام، آخرین دین و اکمل ادیان است؛ این شریعت حنیف، مبین احکام خداوند است. احکام کامله الهی برای پاک نگهداشتن ضمیر انسان و نشان دادن طریق مستقیم در پوییدن راه کمال و سعادت دنیوی و اخروی نوع بشر است.

احکام این شریعت، برخی به فکر و اعتقاد انسان ارتباط دارد و برخی به روشی که آدمی باید در پیش بگیرد تا نعمت هستی را ضایع نکند و راه تباهی و نگونبختی نبوید و در نتیجه آسایش و نیکبختی حاصل کند.

احکامی که به اندیشه و عقیده انسان ارتباط پیدا می‌کند، احکام اعتقادی اسلام است و احکامی که رهنمون رفتار و کردار آدمی و چگونگی برقراری روابط افراد بشر با یکدیگر و با پروردگار است؛ احکام شرعی و تکلیفی است.

احکام اعتقادی اسلام تبعدی نیست و انسان باید از راه اندیشه و تعقل، به آنها پی ببرد و آنها را بپذیرد. فروع دین، یعنی احکام شرعی نیز ضرورتاً عقلی است؛ زیرا، اولاً خداوند حکیم و دانا، احکام تکلیفی را برای تأمین خیر و صلاح دنیا و آخرت بشر، خلق و ابلاغ فرموده است. لذا این احکام لاجرم بر اساس حکمت و عقل است. برای اینکه از اعمال خلاف عقل، خیر و صلاح بر نمی‌خیزد، ثانیاً انسان وقتی از راه خرد خدا را شناخت و به لزوم بعثت پیامبران (علیهم السلام) واقف شد و سپس بوسیله معجزات به پیامبری حضرت محمد (ص) یقین حاصل کرد، آنوقت عقل حکم می‌کند که بر وفق دستور پیامبر (ص) باید عمل کند زیرا وقتی به صدق گفتار و صحت رفتار و تقریر بیان پیامبر، از روی عقل. اذعان حاصل شود، عمل بر وفق احکام شرع، عمل بر طبق حکم عقل است و مخالفت با احکام شرعی، مخالفت با حکم عقل و برخلاف مصالح نوع بشر خواهد بود.

احکامی که به کیفیت عمل انسان ارتباط دارد. ناگزیر می‌بایست، تکالیف کلیه افعال و طرق وصول به کمال و سعادت آدمی را در هر عصری، شامل باشد. چنین احکامی، نه تنها می‌بایست با تطور معقول زندگی بشر سازگار باشد بلکه می‌بایست تطور و ترقی سعادت‌مندان را به بشرینما باند؛ چه اگر احکام بر تطور معقول حیات بشر، مبتنی نباشد، محکوم به زوال و از بین رفتن است. دین اکمل و خاتم ادیان، زوال پذیر نخواهد بود.

تطور خصیصه ذاتی حیات و زندگانی انسان است، زیرا خداوند به انسان نعمت خرد و هوش و غریزه را ارزانی داشته است و این سه نعمت با هم دائماً فعال و در حرکتند. لازمه حرکت معقول تطوّر است.

غریزه در جهت صیانت نفس و تملک و بقای نسل عمل می‌کند. آدمی اگر تنها در جهت انگیزه‌های غریزی عمل کند، رعایت اعتدال را نخواهد کرد و مصالح نوع خویش را منظور نخواهد داشت. انگیزه‌های درون آدمی، مثل غرایز حیوانات دیگر، بسیط و ساده نیست، هوش انسان چیزهایی را که مطابق امیال غریزی اوست تشخیص می‌دهد و به غریزه در برآوردن تمنیات خود، کمک می‌کند. به همین مناسبت، انسان در تمنیات خود، فزون طلب است، فزون طلبی اغلب با عدم رعایت حال دیگران همراه است. شخص فزون طلب و غیر معتدل نیز کمتر روی آسایش و نیکبختی می‌بیند.

عقل، انسان را راهنمایی می‌کند که در جهت بقاء و کمال و سعادت خود و نوع خویش و حتی حیوانات بکوشد و در اعمال غریزی خود، اعتدال را نگهدارد. فزون خواهی و میل معقول به بقا و کمال و سعادت، مستلزم تظور است.

احکام شرع، عقل را پشتیبانی و هدایت می‌کند که در انجام وظیفه خود، موفق باشد و در حجاب تمنیات لجام گسیخته غرایز و شهوات غیر ضروری، قرار نگیرد.

بنابراین، احکام شریعت کامله الهی باید بدان درجه از کمال باشد که مسیر عقل و جریان خردمندانه افعال انسان را در همه رویدادها و در همه شئون زندگانی بیان کند.

بیان جزئیات احکام افعال و امور حیاتی انسان، در یک زمان برای کلیه اعصار و تا ابد که نوع بشر وجود دارد، خردمندانه نیست. زیرا نمی‌تواند در قدرت ادراک آدمی باشد.

لذا اگر شارع، همه جزئیات احکام کلیه رویدادهای اعصار آینده را جزء به جزء بیان کند، تکلیف خارج از حد توانائی بشر خواهد بود، چنین تکلیفی قبیح و بی‌خردانه است؛ از خدای دانا و حکیم، عمل قبیح و دور از عقل سر نمی‌زند، حتی بیان جزء به جزء احکام همه افعال و رویدادهای حیاتی بشر برای یک عصر نیز به همین دلیل معقول نیست.

بدین مناسبت، شارع متعال، اکثر تکالیف بشر را ضمن احکام کلی و ملاکات احکام بیان فرموده است که آدمی در هر عصری بتواند از روی کلیات و ملاکات احکام تکالیف خود را از آنها تخریب و استنباط نماید.

تخریب احکام جزئی از روی کلیات و ملاکات احکام، وظیفه عقل و عمل عاقل است. خردمند با آموختن مبادی و مقدمات استنباط قادر خواهد بود که با امعان نظر، احکام شرعی فرعی را از روی کلیات و ملاکات استنباط کند. چنین خردمند آموزش دیده، عالمی فقیه و مجتهد است.

کلیات احکام به منزله قواعد اسلام است. مثل قاعده لاضرر و قاعده تسلیط و امثال اینها که به صورت: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام، و الناس مسلطون علی اموالهم» صادر شده اند. اغلب احکام جزئی از کلیات احکام استنباط می شوند. اما رد بعضی موارد و در پاره ای از حوادث تازه، مجتهد ممکن است در تخریح تکالیف از کلیات احکام دچار تردید و یا اشتباه شود و این اشتباه ممکن است به یکی از علتهای زیر حاصل شود:

۱- نص شارع از نظر مجتهد، مجمل باشد، یعنی مجتهد با تمام تلاش و تعقل و امعان نظر که در کلیات می کند نتواند کلیه جهان منظور شارع را از نص ادراک کند.

۲- به نظر مجتهد، بیان دو نص متعارض باشد و یا نتواند نص صحیح شارع را که بوسیله سنت نقل شده است، از نص جعلی باز شناسد.

۳- فقها در مواردی با فقدان نص مواجه می شوند اعم از اینکه نص موجود نباشد و یا تحصیل آن نص برای ایشان مقدر نشده باشد.

در اینگونه موارد، یکی از دو راه وجود دارد: سکوت و توقف، یا تعیین تکلیف از روی ملاکات احکام.

سکوت و توقف؛ در این گونه موارد، خلاف مصیحت و عقل است، زیرا با تطور زندگی بشر وفق نمی دهد و چه بسا توقف، در این موارد زیانهای جبران ناپذیری را در راه کمال و سعادت انسان بار آورد.

رجوع به ملاکات احکام در اینگونه موارد، طریق عقل و راه صواب است. زیرا ملاک هر چیزی، اساس و بنیان و اصل آن چیز است، ملاکات احکام هم اصول و مبانی احکام شرعی هستند، بنابراین مجتهد، لزوماً می بایست در فقدان نص یا اجمال و تعارض آنها، از روی ملاکات احکام که در جهت تطور معقول همه اعصار زندگانی بشر است، حکم موارد را تحصیل کند.

معنی تفقه در احکام دین، همین است که مجتهد برای استنباط احکام، به کلیات و ملاکات احکام مراجعه کند، فقهای اسلام نیز اتفاق نظر دارند که تنها طریق معتبر شرعی در استنباط احکام، امعان نظر در کلیات و ملاکات احکام و مراجعه به آنهاست. بنابراین رجوع به ملاکات احکام، هم حاکم عقل است و هم حکم شرع.

ملاک اصلی دین اسلام عقل است. عقلی که هر آدم سالمی که گرفتار اوهام و بیماری نبوده و به اعمال ضد اجتماعی، گرایش نداشته باشد، واجد آن است. مجتهد با همین عقل و با مدد مبادی تفقه، ملاکات احکام را با تلاش علمی، تحصیل می کند و حکم موارد مجهول را از آنها ادراک و اخراج می نماید.

به همین دلیل است که همه مذاهب زنده فقهی اسلام، حکم عقل را دلیل حکم شرع می‌دانند منتهی در روش تحقیق و مصادیق حکم عقل، در استنباط احکام شرع، ممکن است توافق نداشته باشند.

به همین مناسبت، ادله احکام، که از کلیات و ملاکات احکام، تحصیل شده است، از نظر مذاهب فقهی اسلام، بعضاً متفاوت است. مذاهب فقهی زنده اسلام عبارتند از: مذاهب، شیعه، مالکیه، حنفیه، شافعیه و حنبلیه.

چون راقم سطور در صدد بررسی آراء اصولیین پیرامون دلیل عقل در استنباط احکام فقه اسلامی است، بنابراین مقدمه ادله معتبر احکام در مذاهب پنجگانه را نام برده و سپس به بحث پیرامون ملاک عقل و حدود آن در استنباط احکام فقه می‌پردازد. در نتیجه، موارد تقریب و اتفاق نظر و نیز موارد اختلاف نظر آنان درباره حکم عقل و مصادیق آن اجمالاً روشن می‌شود.

ادله احکام در مذاهب فقه اسلامی

قرآن و سنت پیامبر(ص) دو مصدر اصلی و عمده فقه اسلامی هستند. این را همه مذاهب و فرق اسلامی قبول دارند. قرآن کتاب خداست و اساس تشریح اسلام در آن مندرج است. کتاب خدا اجرای سنت را اکیداً دستور داده است.^۱

این دو مصدر مهم در تشریح همانگونه که در شأن آنهاست، کلیات و ملاکات احکام را بیان کرده‌اند و به بیان جزئیات پرداخته‌اند.^۲ وانگهی کتاب و سنت تنها ادله لفظی احکام هستند، بدیهی است که لفظ، محدود است و حوادث زندگی انسان نامحدود، بنابراین برای فهمیدن احکام شرع در جزئیات و رویدادهای تازه، ناگزیر بایستی در کلیات و ملاکات احکام امعان نظر شود. در این امعان نظر، مسلماً اختلافهائی در راه و روشهای استنباط میان دانشمندان صاحب نظر، رخ می‌دهد که همین اختلافها، چه بسا که دانشمندان را به کشف حکم شرعی، رهنمون کند و بتواند منشأ تدوین بهترین قوانین گردد.^۳

در مورد ادله استنباط احکام و مصادری غیر از کتاب و سنت، مذاهب و فرق مختلف اسلامی با هم اختلاف نظر دارند. «ظاهریه» از اهل سنت و «اخباریه» از شیعه جز نصوص کتاب و سنت، مصدر دیگری برای استنباط احکام فقه اسلامی نپذیرفته‌اند. اما مذاهب پنجگانه،

۱- (نساء / ۵۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ...

۲- المدخل لدراسة الفقه الاسلامی، دکتر محمد یوسف موسی، ص ۱۸۴.

۳- المذاهب الاسلامیه، محمد ابوزهره، ص ۲۱.

مصادر دیگری را که ناشی از ملاکات احکام و یا ناشی از معقول نصوص است، بعنوان ادله فقه ذکر کرده‌اند. پیروان مذاهب پنجگانه فقه یعنی شیعه، مالکیه، حنفیه، شافعیه و حنبلیه اجماع را نیز قبول دارند، البته در چگونگی تحقق اجماع و حدود حجیت آن اتفاق نظر در این مذاهب نیست.

مذاهب اهل سنت، قیاس را نیز عموماً به عنوان مصدر چهارم احکام فقه پذیرفته‌اند. استحسان نیز در مذهب حنفی به عنوان یکی از مصادر احکام مورد استفاده قرار گرفته است. مصالح مرسله هم در مذهب مالکی مورد استفاده قرار گرفته. شافعی، کتاب، سنت، اجماع، قول صحابی و قیاس را مصادر احکام دانسته است. مذاهب چهارگانه اهل سنت، بعضی مصادر دیگر از قبیل عرف، عادت، مصالح مرسله و سد ذرایع را نیز ضمیمه ادله احکام کرده‌اند.^۱ اینک به اختصار ادله احکام در نزدیک هر یک از آنها ذکر می‌کنیم.

ادله احکام در مذهب شیعه: فقهای اصولی شیعه، کتاب و سنت معصومین (ع) و اجماع و عقل را ادله احکام شرع می‌دانند.^۲ شیعه عقل را ملاک، اصلی احکام شرع می‌داند، بنابراین، مرجع همه ملاکات و ادله، در نظر شیعه عقل است و از طرف دیگر، عقل، این ملاک را از نصوص احکام استنباط می‌کند.

ادله احکام در مذهب مالکی:

ادله احکام در مذهب مالکی به ترتیب اهمیت عبارت است از: قرآن، سنت، اجماع، عمل اهل مدینه، قیاس، مصالح مرسله و سد ذرایع و به قیاس، به حدی که حنفیها به آن اعتبار داده‌اند، اهمیت نمی‌داده‌اند.^۳ اما به عمل اهل مدینه اهمیت شایان داده‌اند. ابن حاجب مالکی «استدلال» را نیز از ادله شرعی ذکر کرده است.^۴

ادله احکام در مذهب حنفی:

ابوحنیفه مؤسس مذهب حنفی، خود، صریحاً در کتب خویش ادله احکام را بر شمرده است، آنگونه که از فتوای وی بر می‌آید و بنا به نقلی که در کتاب تاریخ بغداد از وی شده است

۱- ر. ک: المدخل لدراسة الفقه الاسلامی، دکتر محمد یوسف موسی، ص ۱۸۳، اصول الفقه الاسلامی، شاکر الحنبلی، ص ۱۸، منتهی الوصول والاملی، ابن حاجب، ص ۳۲.

۲- ر. ک: اصول الاستنباط، حیدری، ص ۳۴، کفایة الاصول، محقق خراسانی، ص. اجود التفریرات، خونی، ص ۹، اصول الفقه، المعظفر، مجلد دوم، ص.

۳- المدخل لدراسة الفقه الاسلامی، دکتر محمد یوسف موسی، ص ۱۶۰، الموافقات، شاطبی، ج ۴، ص ۱۹۸-۱۹۶.

۴- منتهی الوصول والامل، ابن حاجب، ص ۳۳: «الادلة الشریعیة، الكتاب و السنة، والاجماع و القیاس و الاستدلال...»

این دانشمند، فقه خود را بر هفت اصل یا دلیل بنا کرده است؛^۱ کتاب، سنت، اقوال صحابی، اجماع، قیاس، استحسان و عرف. سد ذرایع نیز در فقه حنفی از ادله احکام بشمار آمده است.

ادله احکام در مذهب شافعی:

محمد بن ادریس شافعی در کتاب «الام» خویش پنج مصدر برای فقه ذکر کرده است؛ نخست کتاب و سنت، سنت را در ردیف کتاب آورده و یکی دانسته است؛ بشرطی که صحت آن در نظر وی معلوم باشد. دوم، اگر کتاب و سنت تحصیل نشد اجماع مورد استناد خواهد بود. سوم، گفتار هر یک از صحابه پیامبر (ص) مشروط بر آنکه قول مخالف آن از صحابی دیگر یافته نشود، چهارم در اختلاف صحابه، دلیلی که به کتاب و سنت نزدیکتر باشد، پذیرفته است پنجم، قیاس؛ شافعی تا آنجا که مقرر بوده از مضامین کتاب سنت استفاده می کرده است. شافعی به استحباب عمل می کرده است و او را نخستین کسی دانسته‌اند که استحباب را در استنباط احکام فقه اسلامی دخالت داده است.^۲ شافعی، به استحسان و مصالح مرسله عمل نمی‌کرده، گویا درباره استحسان گفته است: هر که از روی استحسان رأی دهد خود تشریح کرده است.^۳

ادله احکام در مذهب حنبلی:

احمد بن حنبل، بنویشته ابن قیم در «اعلام الموقعین» پنج اصل را در فتوای خود رعایت کرده است: نخست، نص، یعنی کتاب و سنت؛ تا جائیکه می توانست از مضامین نصوص استفاده می کرد؛ و به دیگر ادله نمی پرداخت، دوم، گفتار صحابه، تا جائیکه خلاف آن ثابت نشود. سوم در مورد اختلاف صحابه، قول آنکس را که به کتاب و سنت نزدیکتر بود می‌گرفت؛ رد واقع این اصل سوم داخل در قول صحابی، یعنی اصل دوم است. تا اینجا آمد بن حنبل، نظریه شافعی را دارد. چهارم، به حدیث مرسل وضعیت عمل می کرد، مشروط بر اینکه دلیلی خلاف آنها نیاید. پنجم، حدیث مرسل و ضعیف را بر قیاس ترجیح می داد.^۴ بنابراین می توان گفت: که ابن حنبل به گفته ابن قیم چهار اصل را منبع استنباط احکام قرار می داد: کتاب، سنت، فتوای

۱- یوحنیفیه، ابوزهره، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۲- لام، الجزء السابع، ص ۲۴۶.

۳- الاحکام، آمدی، ج ۴، ص ۱۲۶... حتی نقل عن الشافعی انه قال: من استحسن فقد شرع...

۴- اعلام الموقعین، ابن قیم، ج ۱، ص ۲۹-۳۳.

صحابه، قیاس،^۱ عمل به استصحاب و مصالح مرسله و ذرایع را نیز به ابن حنبل نسبت داده‌اند. در کتب حنبلیها، دربارهٔ اجماع نیز شبیه آنچه شافعی گفته است یافته می‌شود، بنابراین، اصول فقه حنبلی عبارت است از: کتاب، سنت، اجماع، فتوهای صحابه، قیاس، استصحاب، مصالح مرسله و ذرایع.^۲

www.ketab.ir

۱- ابن حنبل، ابوزهره، ص ۲۰۷.

۲- ابن حنبل، ابوزهره، ص ۲۰۷.